



### صاحب امتیاز و مدیر مسئول

رضا غلامی

### سر دبیر

امیر سیاهپوش

### هیئت تحریریه

عطاءالله رفیعی آتانی، محمدتقی موحدابطحی، محمدجواد رضائی، سید علی سیدی فرد، محسن سلگی، روح‌الله داوری.

### مدیر فنی و هنری

یوسف بهرخ

### عکس

آزاد پیراینده، آرشیو فصلنامه

### ویراستاران

سعید فلاحی، حسام‌الدین حقیقیان و رضا خورسند

### بازبین نهایی

محمدابراهیم نیک‌زاد

### مدیر داخلی

روح‌الله داوری

### همکاران این شماره

آقایان علیرضا باباخان، محمدرضا بخشی، محسن سلگی، سید مهدی موسوی و خانم مریم ذوقی‌پور

### چاپ و صحافی

چاپخانه میران

### نشانی مجازی

[www.sccsr.ac.ir](http://www.sccsr.ac.ir)

### رایانامه

[mag@sccsr.ac.ir](mailto:mag@sccsr.ac.ir)

### شماره تماس

تهران: ۰۲۱۶۶۴۰۹۰۵۶ / قم: ۰۲۵۳۲۹۳۸۵۶۲

### مرکز بخش

شرکت پخش ترنج

### نشانی فصلنامه

تهران: خیابان جمهوری اسلامی - خیابان کشور دوست - کوچه نوشیروان - پلاک ۲۶ طبقه چهارم کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

قم: خیابان جمهوری اسلامی - کوچه ۲۴

فرعی دوم سمت چپ - پلاک ۲۲

کد پستی: ۳۷۱۶۶۹۴۱۹۶

بسم الله الرحمن الرحیم

وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهُ قَانُونٍ

- مطالب مندرج در نشریه بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان و گفت‌وگو شوندگان است.
- این فصلنامه در چکیده‌سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.
- استفاده از مطالب فصلنامه، با یاد منبع، مانعی ندارد.
- مقالات و مطالب ارسالی بازگردانده نخواهد شد.

- این شماره فصلنامه با مشارکت مالی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و مرکز رشد واحدهای فنآور و دانش‌بنیان دانشگاه جامع امام حسین (ع) منتشر شده است.



#### مبانی و اصول حکمرانی اسلامی

- حکمرانی غربی و اسلامی؛ از تشابه تا تفارق  
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی، دکتر عطاءالله رفیعی آتانی، علیرضا باباخان | ۱۱۲
- شاخصه‌های حکمرانی اسلامی از استقراء تا قیاس  
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نجف لکزایی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد نوروزی | ۱۲۷
- عدالت، عقلانیت و معنویت سه ضلع حکمرانی در تفکر رهبر معظم انقلاب  
دکتر محمدمهدی اسماعیلی، دکتر فرزاد جهان‌بین، دکتر امیر سیاه‌پوش | ۱۳۸
- حکمرانی اسلامی؛ مساوی جمهوری اسلامی و حاکمیت مردم  
گفت‌وگو با سردار محمدعلی جعفری | ۱۶۱
- مبانی، اصول و سیاست‌های حکمرانی اسلامی  
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مجتبی مصباح | ۱۶۶
- عقلانیت سیاسی اسلام به‌منزله تمام اسلام  
گفت‌وگو با دکتر عطاءالله رفیعی آتانی | ۱۷۱

#### الگوی مطلوب حکمرانی اسلامی در نظام علمی و تربیتی

- حکمرانی ما؛ از تکنیک تا تربیت  
گفت‌وگو با دکتر جمیله علم‌الهدی | ۸۱
- حکمرانی؛ بلوغ علوم انسانی/فقر حکمرانی در ایران  
گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه | ۱۰۱
- تعلیم و تربیت رسمی عمومی از منظر عدالت اجتماعی  
محمدصادق ترابزاده چهرمی | ۱۱۲

#### الگوی مطلوب حکمرانی اسلامی در نظام سیاسی

- حکمرانی بالاتر از قدرت؛ محدودکردن «مرجعیت قدرت» با حکمرانی  
گفت‌وگو با دکتر اصغر افتخاری | ۱۲۱



■ حکمرانی اسلامی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل؛ فراتر از امت!

گفت‌وگو با دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی |۱۳۱|

■ جمهوری اسلامی؛ نظام‌سازی موفق و نهادسازی نارسا!

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر منصور میراحمدی |۱۴۱|

■ از بیانیه گام دوم تا جهان پساکرونا؛ فرصت‌های حکمرانی انقلابی دیپلماتیک

دکتر فؤاد ایزدی، دکتر محمدباقر خرمشاد |۱۴۷|

■ تحول قضا به حکمرانی؛ از فرآورده تا فرایند

دکتر محمد روشن، دکتر محمود حکمت‌نیا |۱۶۲|

■ تأملی بر نظریه دولت بر اساس حکمت سیاسی متعالیه

دکتر شریف لکزایی |۱۷۴|

■ حکمروایی

دکتر علیرضا صدرا |۱۷۷|

■ الگوی مطلوب حکمرانی اسلامی در نظام فرهنگی و اجتماعی

■ مجتمع آسیب حکمرانی و آسیب اجتماع

دکتر تقی رستم‌وندی، حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پیروزمند، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ابراهیم عباس‌پور |۱۸۸|

■ حکمرانی بی‌پایان به مثابه گفت‌وگو

گفت‌وگو با دکتر محمدحسین ساعی |۲۰۳|

■ جمهوری اسلامی و مسئله شکاف نسل قدیم و جدید

گفت‌وگو با دکتر سید محمدصادق امامیان |۲۱۹|

■ چگونگی برتری الگوی فضای مجازی بر الگوهای غربی و شرقی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید سعیدرضا عاملی |۲۲۷|

■ نقش ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اسلامی در صورت‌بندی مسائل حکمرانی

دکتر علی ملکی، نجم‌الدین یزدی |۲۳۷|



■ **نودولت‌شهر؛ خوانش صدراپی از دولت و شهر**  
دکتر محسن سلگی | ۲۴۲

■ **حکمرانی اجتماعی اسلامی**  
دکتر مهدی حسین‌زاده یزدی | ۲۴۷

■ **الگوی مطلوب حکمرانی اسلامی در نظام مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی**

■ **حکمرانی؛ از خاستگاه غربی تا وضعیت آن در ایران**  
گفت‌وگو با دکتر علی ملکی | ۲۵۳

■ **از مدیریت آیین‌نامه‌ای تا مدیریت آیینی و جهادی**  
گفت‌وگو با دکتر میثم لطیفی | ۲۶۷

■ **حکمرانی سیستمی به منزله جامع‌ترین تعریف؛ از کارآمدی تا اثربخشی**  
گفت‌وگو با دکتر مصطفی زمانیان | ۲۷۱

■ **از حکمرانی خوب بازارگرا تا حکمرانی انقلابی**  
گفت‌وگو با دکتر روح‌الله تولایی | ۲۸۱

■ **الگوی مطلوب حکمرانی اسلامی در نظام اقتصادی**

■ **فاجعه بانک در غیاب «ایده»** / گفت‌وگو با دکتر حسین عیوضلو | ۲۸۹

■ **نیاز فوری برای ارائه سند بالادستی در حکمرانی**  
گفت‌وگو با دکتر سیداحسان خاندوزی | ۳۰۱

■ **ضرورت نقش‌آفرینی حاکمیت در ترویج و نهادینه‌سازی مدل‌های کسب‌وکار اقتصاد مردمی**  
اشرف‌السادات موسوی لقمان، دکتر میر سامان پیشوایی | ۳۰۸

■ **کتاب‌ونش**

■ **نازه‌های نشر**

■ **فقه عفاف جنسی (فقه فردی)** | ۳۱۴



- فقه عفاف جنسی (فقه اجتماعی) | ۳۱۶
- سیاست پژوهی عفاف و حجاب در ایران | ۳۱۸
- جستارهایی دینی و فلسفی در تاریخ و تمدن (مجموعه مقالات) | ۳۲۱

#### معرفی کتاب

- طراحی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی حکمرانی اسلامی دولت معیار | ۳۲۸
- سیاست (سیاست داخلی) از منظر آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) | ۳۳۱
- الگوی جهان شمول حکمرانی اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) با تکیه بر نظریه اعتباریات | ۳۳۴

#### نقد کتاب

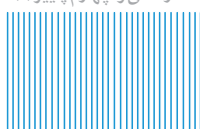
- روش‌شناسی دانش اجتماعی مسلمین در بوته نقد | ۳۳۹

#### معرفی رساله دکتری

- واکاوی ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی براساس فرمایشات امام علی (ع) | ۳۴۴

#### رصد

- حکمرانی جهانی، فرصت‌ها و تهدیدهای کرونایی
- گزارش کرسی علمی ترویجی «پاندمی کرونا و مسئله حکمرانی جهانی» | ۳۵۰
- فرصت برای قرآن‌بنیان کردن علوم انسانی اندک است؛ تأکید بر فهم روشمند از قرآن
- کرسی علمی ترویجی «روش تفسیر اجتهادی جامع» | ۳۵۸
- مردمی‌سازی و معماری فضای مجازی بر اساس جامعه ایرانی ضروری است
- گزارش نشست علمی «کرونا، مجازی شدن کشورها و چالش حکمرانی و الزامات مجازی‌سازی جمهوری اسلامی» | ۳۶۲





## فاجعه بانک در غیاب «ایده»


### گفت و گو با دکتر حسین عیوضلو

دکتر حسین عیوضلو، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) است. وی مدرک دکتری اقتصاد را از دانشگاه تربیت مدرس گرفته است. بیشتر پژوهش‌های او در حوزه‌های اقتصاد پول و بانکداری، اقتصاد منابع، اقتصاد اسلامی، عدالت اقتصادی، روش‌شناسی علم اقتصاد و بانکداری بین‌الملل است. برخی از مهم‌ترین آثار وی عبارت‌اند از: کتاب‌ها: دو معیار: عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام؛ بانکداری اخلاقی با رویکرد اسلامی (ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری)؛ نظریه اسلامی عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی (تک‌نگاشت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)؛ طرح تحول ساختاری نظام بانکی؛ جایگاه و نقش نظام بانکی در توسعه اقتصادی کشور؛ فلسفه اقتصاد اسلامی؛ تحلیل فقهی اقتصادی اوراق قرضه در بازار پول و سرمایه ایران.

مقاله‌ها: «علل اخلاقی وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ و نقش بازدارنده بانکداری اخلاقی در پیشامد بحران‌های مشابه»؛ «معرفی ارکان و هسته سخت اقتصاد اسلامی»؛ «درآمدی بر اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی»؛ «مقدمه‌ای در تبیین روش و فرایند توسعه نظریه پردازی اقتصاد اسلامی» و «طرح جامع اصلاح نظام پولی و بانکی کشور».

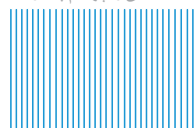
در این گفت‌وگو دیدگاه دکتر عیوضلو درباره اصلاح سازوکارهای خلق پول بانک‌ها در ساختار حکمرانی اقتصادی کشور را جویا شده‌ایم. دکتر عیوضلو مشکل اساسی بانکداری در ایران را نخست، نبود ایده می‌داند. او این خلاء را مهم‌تر از تقصیر افراد محسوب می‌کند. همچنین با انتقاد از فقه جز، نگر، در عوض، از فقه نظام‌ساز و فقیه زمان‌شناس و مکان‌شناس دفاع می‌کند. وی نظام بانکداری کشور را التقاطی دانسته و این التقاط را زیان‌بارتر از تقلید محض از بانکداری غربی می‌داند. از جمله انتقادات اساسی او به تصمیم‌گیران در ایران، نبود اراده در آنها برای تغییر جدی در نظام بانکداری است. به نظر او، در ایران اقتصاد در خدمت بانکداری است تا بانکداری در خدمت اقتصاد و بانک بیش از هر چیز معطوف به اداره خودش است. دکتر عیوضلو، این بانک را بانکی می‌داند که با تغییر افراد در خدمت تولید قرار نخواهد گرفت. به تعبیر ما (فصلنامه صدرا)، این بانک، بانگ تولید و مشکلات اقتصادی مردم را نخواهد شنید.

بانکی چه کرده و تولیداتش از نظر قضایی و اسلامی، بانک اسلامی، موضوعات و دغدغه‌های اسلامی چه بوده است؟ وقتی این موضوع را دنبال نمی‌کنیم، یعنی همان بانکداری سکولار صحیح است و بانکداری اسلامی نداریم. وگرنه همان‌گونه که قراردادهای ربوی باطل است، امور دیگر هم تغییر می‌کرد. اما گویا این مسائل دیگر مشکلی ندارند که متعرض آنها نشده‌اند. آیا دستگاه قضایی ما نباید این دغدغه را داشته باشد؟ مسائل

 **ضمن تشکر از اختصاص وقت، لطفاً درباره وضعیت فعلی نظام بانکی کشور**

**در ساختار حکمرانی، داوران را ارائه کنید.**

در آغاز باید دستگاه فکری حاکمیتی را تجزیه و تحلیل کنیم. مدیرعامل‌های بانک‌ها لزوماً مقصر نیستند؛ ابتدا باید منطق بحث بررسی شود. مملکت باید با قانون اداره شود. قوه مجریه کار کرده و چندین لایحه را در این زمینه‌ها تدوین کرده است. قوه قضائیه در زمینه حکمرانی پولی و



را دنبال کنند؛ زیرا برای خودشان مشکل ایجاد می‌شود. این کار وظیفه دستگاه بالاسری است که وجود ندارد.

### جایگاه این هیئت نظارت کجاست؟ آیا باید در وزارت اقتصاد تشکیل شود؟

بله. هم‌اکنون نهادی تشریفاتی است و در واقع وجود ندارد. غیر از این، دستگاه بازرسی کل کشور را داریم و آن‌گونه که باید بر بانک مرکزی نظارت ندارد و آن را بررسی نمی‌کند. اگر کسی دزدی، اختلاس یا قمار کند با او برخورد می‌کنند؛ زیرا این‌گونه خلاف‌ها برایشان روشن است، ولی مسائل بسیار دیگری از دیدگاه اقتصاد اسلامی وجود دارد: ناکارایی و ناکارآمدی که در صورت به‌کارگیری این رشته موازین نظارتی جدید مطرح خواهد شد. برای مثال، چرا بانک مرکزی تاکنون درباره تعریف قواعد و اصول اسلامی بانکداری کاری نکرده است؟ چرا بانک مرکزی نتوانسته جلوی خلق بی‌محابای پول را بگیرد؟ کدام دستگاه باید بر این موارد نظارت کند؟

بالاسر مجمع بانک مرکزی، رئیس جمهور است که نشستی تشریفاتی برگزار می‌کند و درباره اجرای منویات دولت سخن می‌گوید. آیا استانداردهایی وجود دارد و براساس آنها بازرسی می‌شوند؟ نه. چنین چیزی نیست. بنده زمانی در حوزه بازرسی رهبری می‌گفتم که شما درحالی که معیار کلانسی برای بازرسی نهادهایی از قبیل بانک مرکزی و بانک‌های توسعه‌ای و تجاری ندارید، چه چیزی را بازرسی می‌کنید؟

در آغاز باید تعاریف را تنظیم کنیم و بگوییم منطقی داریم که احکامی را تولید می‌کند و براساس آن می‌توانیم بانک مرکزی را اداره کنیم. مگر اینکه بگوییم این حرف غلط است که می‌شود سکولاریسم. بسیاری و حتی برخی فقها هم می‌گویند بانک اسلامی نداریم.

### اگر بخواهیم دقیق‌تر وارد موضوع حکمرانی شویم، از دو نظر می‌توانیم به موضوع نگاه کنیم: یکی چپستی وضع موجود و دیگری چپستی وضع مطلوب. وضع موجود را توضیح دادید.

وضع موجود، یعنی قواعد اداره بانک‌ها روشن نیست و

بسیاری داریم که تأسیس حقوقی ندارند. من نشست‌هایی با قضات داشته‌ام و دیده‌ام که مفاهیم اولیه را نمی‌دانند؛ چرا این موضوع دغدغه آقایان نشده است؟ برخی موارد مثل دزدی و اختلاس مشخص است، اما منطق کلی درباره مشخصه‌ها و موازین بانکداری اسلامی و عدالت و حق در بانکداری تبیین نشده است.

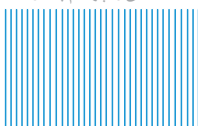
بنده زمانی به آقای آملی لاریجانی عرض کردم که شما نیاز به تولید ندارید؛ زیرا این منطق تولید شده است. این موارد به ابتکار آیت‌الله مهدوی کنی تولید شده و وجود دارد. بنده ۲۷۰۰ صفحه مطلب درباره اصلاح نظام پولی و بانکی تولید کرده‌ام، چرا استفاده نمی‌کنید؟ ولی ایشان ورود نکردند. اینها جزء مسائل نظام نیست؟ بانک اسلامی می‌تواند به تولید بینجامد، با بانکداری سکولار نمی‌توان در این کشور به تولید دست پیدا کرد.

### فکر می‌کنید چه مسئله‌ای سبب شده کارگزاران از این مطلب استقبال نکنند؟

روابط قدرت بین بازیگران قدرت است یا مسئله دیگری در میان است؟

دلیلی ندارد که استقبال کنند. از نظر علمای فقه جزء نگر، فقه بانکی، فقه عقود است و این موضوع تعریفی ندارد. آنها کار خود را می‌کنند و خوب هم هست. تخصص خود را به عمل رسانده‌اند و تخصصشان جایگاهش را یافته است، اما به اقتصاد اسلامی توجهی ندارند، اگر قرار باشد به اقتصاد اسلامی توجه شود، باید در چهارچوب نظام پولی بانکی، شورای اقتصاد اسلامی تأسیس شود که البته لزوماً فقهی نیست، بلکه فراتر از آن است. اما دلیلی وجود ندارد که به این سنخ مسائل توجه شود. مثلاً رئیس کل بانک مرکزی چرا باید این حرف‌ها را دنبال کند؟ مدیر بانک چرا باید برای خودش در دسر درست کند؟ با قوانین التقاطی، به‌راحتی نظام پولی و بانکی را اداره می‌کنند؛ نه استانداردهای نظام غربی حاکم است و نه نظارت بایسته بر بانک‌ها انجام می‌شود و کسی هم بانک مرکزی را بازخواست نمی‌کند. منطق می‌گوید باید دستگاهی مافوق هیئت نظارتی وجود داشته باشد، اما هیچ نظارتی بر بانک مرکزی نیست.

برای اسلامی کردن بانک‌ها ابتدا باید بانک مرکزی و نظام پولی را اصلاح کنیم، ولی دلیلی ندارد که آنها این موضوعات





از نظر علمای فقه جزئی نگر، فقه بانکی، فقه عقود است و این موضوع تعریفی ندارد. آنها کار خود را می کنند و خوب هم هستند. تخصص خود را به عمل رسانده اند و تخصصشان جایگاهش را یافته است، اما به اقتصاد اسلامی توجهی ندارند، اگر قرار باشد به اقتصاد اسلامی توجه شود، باید در چهار چوب نظام پولی بانکی، شورای اقتصاد اسلامی تأسیس شود که البته لزوماً فقهی نیست، بلکه فراتر از آن است.

من ده سال عضو هیئت مدیره بودم. آنجا می گویند فلان درصد به ما (بانک) اختصاص دارد که باید در نظر بگیرید و بعد فعالیت خود را ادامه بدهید؛ یعنی ابتدا درصد معینی از نرخ بهره بانکی را برای هزینه های بانک کنار می گذارد و بعد به موضوعات دیگر می پردازد. هنر بانک این است که درست مدیریت کند و لزوماً تعهدی برای تولید ندارد. چه کسی باید این تعهد را ایجاد کند؟ شما که می خواهید. همایش برگزار کنید، همین پرسش های ابتدایی را حل کنید. اگر قرار باشد بانک طوری عمل کند که چرخ اقتصاد بچرخد، باید منطق دیگری را دنبال کند. نگاه اسلامی می گوید این تسهیلات باید برای رونق و شکوفایی اقتصادی به کار گرفته شود. این قاعده است و باید براساس آن معیار ساخت و بازرسی کرد تا تسهیلات در راستای تولید باشد. این موضوع باید در شرح وظایف بیاید، در خلأ کاری پیش نمی رود. بانک مرکزی هم بر این مبنا نظارتی ندارد. خلاصه اینکه، حکمرانی بانک در راستای چرخ اقتصاد نیست. در حالی می گوئیم چرخ بانک بچرخد و در حالت دیگر می گوئیم هم چرخ بانک و هم چرخ اقتصاد بچرخد. اصل بودن اقتصاد، نیازمند منطق دیگری است. غیر از مواردی

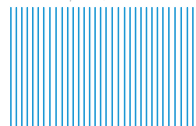
کاستی دارد؛ به همین دلیل می گوئیم التقاطی است. اگر تنها معیارهای بانک های غربی را دنبال می کردیم، وضع نظام بانکی از وضع فعلی بهتر بود. هم اکنون قوانین بالادستی، مثل قانون پولی و بانکی براساس موازین نظام اسلامی نداریم. قانون مدنی ما زمانی تصویب شده که بانک وجود نداشته است و متعرض بخش اسمی اقتصاد نشده است؛ یعنی قانون مادری که تمام قوانین اداری و قضایی از آن مشتق می شود، ناظر به نهاد بانک نیست. مثلاً ما درباره اعتبارات اسنادی، ضمانت های بانکی و مسائل این چنینی قانون نداریم. در بسیاری از محاکم، مدیران بانکی را در موضوع ضمانت بانکی براساس عقد ضمان محاکمه کرده اند. ضمانت نامه براساس تعریف، با ضمانت نامه بانکی تفاوت ماهوی دارد. مبادلات کاغذی قوانین مشخصی ندارد.

#### در آیین نامه ها تنها درباره شیوه اجرا صحبت شده است.



آیین نامه کافی نیست، باید قانون داشته باشیم. بسیاری از این آیین نامه ها با هم مغایرت دارند. به همین دلیل می گوئیم دستگاه قضا باید در این زمینه ورود کند و افراد متخصصی را به کار بگیرد که قوانینی را تصویب کنند. در اواخر زمان شاه داشتند لایحه بازرگانی را به تصویب می رساندند که نشد و ای کاش تصویب می شد؛ زیرا آن لایحه وارد بخش مبادلات کاغذی شده بود. ما تقریباً لویجی نداریم که بتواند روی مبادلات کاغذی اظهار نظر کند. براساس اقتضا چیزهایی تصویب شده که انسجام لازم را ندارد.

بانک در چه چهار چوب و قوانینی باید اداره شود؟ بانک، بانکی عرفی است. بانک عرفی باید به گونه ای مدیریت نقدی، منابع و مصارف داشته باشد که خودش سرپا بماند؛ چه اشکالی دارد؟ نظام از آنها می خواهد در مسیر تولید گام بردارند، اما بانک تعهدی برای تولید ندارد. این موضوع چطور حل شود؟ نظام و رهبری چندین سال است که بر جهش تولید تأکید دارند، اما بانک نمی تواند یا بهتر است بگوئیم این نظام بانکی نمی تواند و انجام نمی دهد. بنا به تعریف، بانک باید خودش را اداره کند، وگرنه دستگاه بازرسی و دیوان محاسبات او را بازخواست می کند که چرا نمی توانی خودت را اداره کنی؟ با این وضعیت، چه دلیلی دارد که بانک بخواهد وارد تولید اقتصادی شود؟





که باید احراز کنید تسهیلات کجا به کار گرفته شده، معجز نیستید تسهیلات بدهید. من به آن «مشروعیت جهت» می‌گویم که بالاتر از عقود و حاکم بر عقود است. روش به‌کارگیری تسهیلات باید مشروع باشد. نخست اینکه در کاری مشروع به کار گرفته شود، مثلاً نمی‌توانیم در تولید مشروبات الکلی تسهیلات بگیریم. نکته دوم که مهم‌تر است، اینکه در مسیر تولید و رونق اقتصادی باشد؛ یعنی در کاری هزینه شود که بالاترین تولید را ایجاد کند؛ این یعنی کارایی.

#### کارایی بنگاهی که می‌خواهد وام بگیرد یا کارایی بانک؟

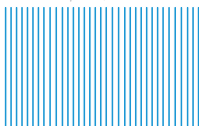
محصولی که قرار است از این تسهیلات بیرون بیاید و شرکتی که براساس تسهیلات ایجاد می‌شود.

#### پس بانک باید توان کارشناسی برای ارزیابی طرح‌های اقتصادی داشته و اولویت با طرح‌هایی باشد که بازدهی بالایی برای جامعه دارد. بالابردن سود فردی آن بنگاه هدف نیست.

اگر بانک در کاری صحیح عمل کند، بازدهی خودش هم بالا می‌رود. برای نمونه، شرکت‌های دانش‌بنیان در روزهای کرونایی تولیدات خوبی داشتند، اگر بانک در این زمینه سرمایه‌گذاری کند، سودآور هم خواهد بود. البته اگر در بند سود بانک مرکزی نباشد که مشکل‌ساز است.

پرسش من این است: نظام که می‌خواهد هدفی مثل رونق تولید و جهش تولید را تعیین کند، باید در بخش‌های نظام، کمیته تخصصی ارزیابی شکل بگیرد که وظایف را بررسی کند و اگر در مسیر تولید نبود، اصلاح شود. تک‌تک وظایف و مأموریت‌ها بر این مبنا تنظیم شود و مدیرانی که در این مسیر نیستند، کنار گذاشته شوند. این گزارش‌ها باید از بانک مرکزی گرفته شود، نه گزارش‌های معمول.

آنچه گفته شد، در حوزه حکمرانی است. بانک‌ها باید چطور اداره شوند که هدف نظام تحقق پیدا کند؟ وقتی همه ارکان نظام از رهبری، ریاست‌جمهوری و مجلس می‌گویند هدف رونق اقتصاد است، باید زمینه تحقق نیز با کمک گرفتن از متخصصان شورای اقتصادی در حکمرانی اسلامی تعیین



**در وضع موجود، همه بانکهای ما تجاری هستند که اشتباه محض است؛ باید بانکهای گوناگونی داشته باشیم، اعم از بانکهای توسعه‌ای، تجاری، سرمایه‌گذاری، عام‌المنفعه، خطرپذیر، منطقه‌ای و دیگر بانک‌هایی که می‌تواند وجود داشته باشد و در دنیا هم مرسوم است.**

نظام پولی است که بانک مرکزی و تشکیلات مرتبط چگونگی باید باشند. هر چند جزئیات این موضوع، بررسی محتوایی دارد، فعلاً وارد بحث محتوایی نمی‌شوم. موضوع بعدی نوع بانک‌هایی است که می‌خواهند این وظایف را متکفل شوند. در وضع موجود، همه بانک‌های ما تجاری هستند که اشتباه محض است؛ باید بانک‌های گوناگونی داشته باشیم، اعم از بانک‌های توسعه‌ای، تجاری، سرمایه‌گذاری، عام‌المنفعه، خطرپذیر، منطقه‌ای و دیگر بانک‌هایی که می‌تواند وجود داشته باشد و در دنیا هم مرسوم است. سپس باید بگوییم هر بانکی، چند نوع بانکداری دارد؟ مثلاً بانکی مثل بانک کشاورزی، چهار نوع فعالیت بانکداری داشته باشد.

#### چه نوع بانکداری مدنظر تان است؟



مثلاً بانکداری تجاری یا مشارکتی. بانکداری مشارکتی بستر و قالب دیگری است که حسابداری و ساختاری متفاوت دارد. مشکل ما این است که بانک‌ها فقط تجاری هستند. چرا می‌گوییم فلان بانک، توسعه‌ای است، اما بانک مرکزی همه را در قالب تجاری می‌شناسد؟ ترکیه انواع بانکداری را دارد، اما ما اصلاً وارد این موضوع نشده‌ایم. بانک مرکزی بانک توسعه‌ای را هم براساس معیارهای بانک

شود. با جهت‌دهی به‌تنهایی نمی‌توان روند را اصلاح کرد؛ زیرا ساختار به‌گونه‌ای نیست که بتواند مسیرهای تعیین شده از سوی رهبری نظام را عملیاتی کند.

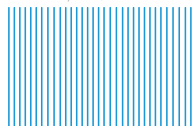
در جنبه‌های دیگر نیز همین وضعیت را داریم. در بحران‌ها نیز نیازمند کمیته خبره‌ای هستیم که تمام نهادها را در مسیری هدایت کند که بتوانیم با تحریم‌ها مقابله کنیم. این موارد در عمل شکل نگرفت؛ زیرا این شیوه را نمی‌خواهند. آیا این چیزی جز سکولاریسم است؟ ما از غربی‌ها هم عقب‌تر هستیم و حتی بی‌توجه به استانداردهای آنها، التقاطی عمل می‌کنیم.

یک مشکل ما این است که با منطق خرد به موضوعات نگاه می‌کنیم و می‌خواهیم جزء را بررسی کنیم. نخست باید کل را اثبات کنیم. نظام جمهوری اسلامی در عرصه‌های نظامی و امنیتی موفق بوده است، اما در زمینه اقتصادی موفق نبوده؛ زیرا به‌شکلی عالمانه به این موضوعات وارد نشده یا ناقص وارد شده که به التقاط کشیده شده است. باید در این باره بحث و تحلیل کرد.

باید در مجمعی تخصصی دربارهٔ چالش‌ها، نیروها، اهداف و مأموریت‌ها توافق شده، کارکردهای نهادها پولی مشخص شود. سپس باید چهارچوب کارکرد بانک مرکزی و نهادها را مکمل را مشخص کنیم. نخست باید آرایش نهادها را به‌گونه‌ای تنظیم کنیم که مناسب نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. از این رو ابتدا باید وضعیت نظام پولی و بانکی مان را از نظر نهادی و ساختاری مشخص کنیم.

باید دربارهٔ وضعیت بهینه نظام‌های ساختاری و نهادی به‌شکل اسکلتی و آناتومی آن گفت‌وگو شود. مثلاً در این اسکلت بگوییم چه نهادهایی در بانک مرکزی تصمیم‌گیر هستند. باید دربارهٔ چالش‌های سیاست‌گذار پولی، نظارتی و دیگر نهادها نیز گفت‌وگو شود. سپس باید دربارهٔ نهادهای نظارتی بالای سر بانک مرکزی و آرایش بانک‌ها تصمیم‌گیری کنیم.

از آنجاکه نظام جمهوری اسلامی هدفمند است، نهادهای اقتصادی و مالی نیز باید در همان مسیر همکاری کنند. «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ یعنی تمام قوه‌ها را در راستای اهدافی براساس منطق اسلامی تحقق بخشیده، آرایش نهادی نظام پولی و بانکی بر آن اساس تثبیت و نهادهای بهینه مشخص شود. این موضوع عمده ساختار



### می‌کنند، نقدی وارد است که آنان خودشان را درگیر پیاده‌سازی نظریه‌ها و خطرپذیری نمی‌کنند.

این موضوع درباره من صدق نمی‌کند؛ زیرا عرصه‌های گوناگونی را تجربه کردم و ده سال در بانک توسعه‌ای کار اداری کرده‌ام. در عرصه طرح‌های تحول بانکداری، جزو نخستین‌ها بودم و خودم به دنبال تأسیس صندوق پژوهش و فناوری رفتم و در عمل، ابزارهای جدید تأمین مالی در عرصه‌های دانش‌بنیان را تجربه کردم.

### آنجا دست شما برای اجرای طرح‌های بانکداری اسلامی باز نبود؟

نه، بسیاری جاها دستان بسته بود. طرحی را پیگیری کردیم، ولی زمانی که باید وارد مرحله اجرا می‌شدیم، رها شد. مدیران و دغدغه‌ها عوض می‌شوند. موضوعات اقتصادی و تحولات فکری و اجرایی حالت سینوسی دارند و با تغییر مدیران، قبض و بسط می‌یابند؛ حتی کارهایی ضد حرکت تدریجی اصلاحی بازتولید می‌شود. حاکمیت نظام اسلامی که می‌خواهد تجارب جدیدی را تمرین کند، نباید این حقایق را نادیده بگیرد، بلکه باید به این نکات ظریف توجه کند و خطرها را به جان بپذیرد. در دوره آقای احمدی‌نژاد، طرح تحول بانک در هفت محور چند سالی خوب پیش رفت، اما با اتفاقاتی که رخ داد، به فراموشی سپرده شد. در دوران دولت دهم، دوباره این موضوعات احیا و از آنها استقبال شد، اما نظام اداری مقاوم توانست این گونه حرکات اصلاحی را خنثی و حرکت رویه‌جلو را متوقف کند. نشست‌های دقیق کارشناسی بسیاری در سطوح بالای وزارتخانه‌های برگزار شده است که صورت مسئله آنها به کل حذف شد.

### منظورتان از حاکمیت چه کسانی است؟

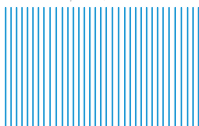
در سطوح گوناگون نظام متفاوت است. گاهی رئیس جمهور و هیئت‌دولت عوض می‌شود و طرح‌ها هم تغییر می‌کند؛ گاهی در سطح حاکمیت و رهبری به طرح‌ها توجه نشده است.

تجاری بررسی می‌کند؛ درحالی‌که هرکدام تعریف متفاوتی دارند. برای نمونه، بانکی در ترکیه چند بار سرمایه‌اش را از دست داده است؛ زیرا کارش رسیدگی به صادرکننده است و به دنبال سود نیست. ما هم در بانک توسعه صادرات دنبال سود نبودیم، اما مدیران جدید می‌گفتند چرا دنبال سودآوری نیستید؟ ما در مسیر صادرات کار می‌کردیم، اما بانک مرکزی همه بانک‌ها را تجاری می‌خواهد و بر این مبنا قضاوت می‌کند.

### ایراد اصلی نظری وارد به بانکداری فعلی در کشور چیست؟

در آغاز، موضوع را از نظر روش‌شناسی بررسی می‌کنم. در منطق لاکاتوش<sup>۱</sup> هسته سختی مطرح می‌شود، بعد کمربندی حفاظتی و بعد توان راهبردها بررسی می‌شود که ساختاری فکری، چقدر می‌تواند تعمیم و توسعه یابد و قدرت پیش‌بینی آن چقدر می‌تواند افزایش پیدا کند تا وضعیت‌های جدید را توضیح بدهد. این موارد از دو نظر ارزیابی می‌شود: پیشرفت یا پسرفت برنامه. با این ساختار فکری می‌توانیم برنامه‌های چهل سال اخیر ایران را بررسی کنیم؛ مثلاً بگوئیم: فقه عقود پیشروی داشته یا پس‌روی؟ با بررسی در این چهارچوب می‌بینیم که این رویکرد به لحاظ نظری پیشرو نبوده؛ زیرا تولیدی نشده و تکامل نیافته است و تنها چند عقد جدید در فقه عقود مطرح شده است: مرابحه، استصناع و خرید دین. این رویکرد پیشروی نداشته است؛ زیرا گسترش نیافته و نهادسازی نکرده است. اگر پیشروی داشت، اتقان بیشتری می‌یافت و افراد بیشتری آن را می‌پذیرفتند؛ یعنی پیشروی نظری می‌کرد. چنین دیدگاه‌هایی چاپ شده، در نشست‌های گوناگون تدریس می‌شوند و این گونه شرح و بسط می‌یابند و کامل‌تر می‌شوند. مثلاً برای نقدی شدن یارانه‌ها در دولت آقای احمدی‌نژاد نشست‌های درازمدتی در سطح دستگاه‌ها برگزار و پیامدهای یارانه نقدی بررسی شد. صدوده سخنرانی برگزار شد که به بسط نظری موضوع کمک کرد. موضوع بعدی، اجراست. اگر در اجرا موفق شوند، می‌گویند پیشروی تجربی داشته است.

### به کسانی که در اقتصاد اسلامی کار



مجمع تشخیص مصلحت هم در حد تولید ایده است؛ سازمانی برای اجرا نداریم. سیاست کلی ایجادشده باید تبدیل به برنامه و شاخص شود؛ برای نمونه، رهبری می‌گویند عدالت موفق نبوده است، این موضوع چطور می‌خواهد اجرا شود؟ نهادی باید قاعده و شاخص را مشخص کند، عدالت را تعریف کند و شاخصه‌های آن را در سازمان‌ها و نهادها پایش کند تا در قوانین و مقررات سالانه و چندساله بالادستی راه یابد و جنبه اجرا پیدا کند. همان نهاد باید پایش هم بکند و به دولت‌ها نمره بدهد؛ این یعنی حاکمیت و حکمرانی.

سازمانی برای اجرا نداریم. سیاست کلی ایجادشده باید تبدیل به برنامه و شاخص شود؛ برای نمونه، رهبری می‌گویند عدالت موفق نبوده است، این موضوع چطور می‌خواهد اجرا شود؟ نهادی باید قاعده و شاخص را مشخص کند، عدالت را تعریف کند و شاخصه‌های آن را در سازمان‌ها و نهادها پایش کند تا در قوانین و مقررات سالانه و چندساله بالادستی راه یابد و جنبه اجرا پیدا کند. همان نهاد باید پایش هم بکند و به دولت‌ها نمره بدهد؛ این یعنی حاکمیت و حکمرانی.

**یعنی فرمایش شما این است که حکمرانی نیاز به سازمان دارد.**

بله، با حرف و طرح آرمان، حکمرانی ایجاد نمی‌شود؛ مگر اینکه بگویید دولت سازمانی اجرایی برای حکمرانی است. نهادی مثل سازمان برنامه که مختص به دولت است، باید برای نهاد رهبری هم وجود داشته باشد یا در داخل همین سازمان، متخصصان ویژه‌ای به کار گرفته شوند که وظیفه‌شان عملیاتی کردن اهداف تعیین شده از سوی رهبری باشد. اینکه بگویند رهبری حرف جدیدی نمی‌زند، غلط است. رهبری همواره اهداف بالادستی را مطرح می‌کنند، اما

**شاید این ضعف در قانون اساسی وجود دارد؟**

به‌نظرم در حوزه رهبری نهاد بالادستی، مقررات‌گذار و ناظر تعریف نشده است.

**اینها وظیفه شورای نگهبان یا مجلس خبرگان نیست؟**

اول باید عارضه‌یابی شود. چندین سال است که رهبری عنوان سال را تعیین می‌کنند، ولی نتیجه نمی‌گیریم. این نشان‌دهنده گسست و ضعف‌های ساختاری است. سازمان برنامه، حرف‌های رئیس‌جمهور را به سطح دولت می‌برد و عملیاتی می‌کند. از پایین هم می‌تواند خواسته را به رئیس‌جمهور برساند و نهادی کارآمد است، اما در حوزه رهبری این نهاد را نداریم. اگر بگوییم کار رهبری فقط نظارت است، پس وارد حکمرانی نشده است.

**بسیاری از موارد در سیاست‌های کلان دیده شده است.**

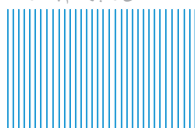
سیاست‌های کلان هم باید اجرا شود و منطق راهبردی داشته باشد. راهبردهای بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت باید تبیین شود. در حوزه رهبری، سفارش‌ها گفته می‌شود و در دولت به زبان دولت ترجمه و استحال می‌شود و اجرا نمی‌شود. در نهایت هم رهبری به اجبار باید اینها را توجیه کند.

**آیا ریشه مسئله در قوانین کشور است؟**

لزوماً بحث قانون نیست. ما باید منطق اجرا را بدانیم. هیچ چیزی با سفارش کردن تحقق نمی‌یابد، باید سازمان وجود داشته باشد؛ یا دولت سازمانی است که وظیفه‌اش را به خوبی ایفا می‌کند یا سازمان دیگری نیاز است. در عمل، دولت این‌گونه نیست. حاکمیت بالادست باید هدف‌گذار باشد و فرایند تحقق هدف را طراحی و پایش کند.

**یعنی سازمان مجری منویات رهبری وجود ندارد؟**

مجمع تشخیص مصلحت هم در حد تولید ایده است؛





هم اکنون وجود ندارد. نهادهایی غیر از بانک هستند که نقش نهادهای مکمل را بازی می کنند. این گونه تعاریف جدید، نظام حسابداری و بازرسی ویژه خودش را می طلبد تا جریان پایش پذیر باشد. موضوع چهارم، زیرساخت های آی تی است که منطبق کاملی نیاز دارد. نرم افزارها باید به گونه ای چیده شود که فرایندها را خودکار کند. در این روش، تخلف سخت می شود. نرم افزارها باید در خدمت عملیات ها و فرایندها باشند و نه برعکس.

**مگر این امر نرم افزاری هم پیچیدگی ویژه ای دارد؟ شرکت های مهندسی**

**نرم افزار می توانند انجام بدهند.**

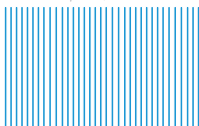
بله دارد. ساختار اجرایی آن قدر منعطف نیست که بنا بر نیاز تغییر ایجاد کند. برای نمونه، در شورای فقهی بانک مرکزی به اعضای شورا می گفتند در موضوع مشارکتی، نرخ های ثابت بدهید؛ زیرا نرم افزارهای ما با نرخ های ثابت کار می کنند. در جمهوری اسلامی از آغاز به سمت نرخ های ثابت رفتند و نرم افزاری نداریم که انعطاف پذیر باشد. بدنه بانکی این را نمی پذیرد، حتی ساختارهای نظارتی هم به راحتی این تحولات را نمی پذیرند.

بدون سازمان و بی یار و یاور هستند. با اداره های کنونی که در حوزه رهبری وجود دارد، به هیچ وجه بازرسی درستی انجام نمی شود؛ زیرا قائم به چند شخص است و مسئله را به شکل نظام مند حل نمی کند، بلکه موردی عمل می کند و بیشتر پسینی است. موضوعی مطرح می شود و تمام دستگاه ها برای آن بسیج می شوند؛ در حالی که باید به شکل نظام مند حل شود. فساد که اکنون در قوه قضائیه کشف شده است، باید پیش تر از سوی نظام بررسی می شد. دستگاه های بازرسی باید از اختلاس و فساد جلوگیری می کردند و این زمانی میسر است که الزامات حرکت های اصلاحی هم ساختاردهی شوند.

**آقای دکتر، درباره ساختار اقتصادی صحبت فرمودید. در این باره نکات**

**دیگری دارید؟**

ساختار نهادی و سازمانی یک موضوع است و موضوع بعدی عملیات بانکی است که درباره عقود، قراردادها، مبادلات، فرایندها، دستورالعمل ها و رقابت بانک ها است. موضوع سوم، نهادی است که می گوید چه نوع مأموریت هایی برای چه نوع بانکی و چه تشکیلات اداری نیاز است. مثلاً برای عقد مشارکتی باید نهادهای امین و مکمل داشته باشیم که





## چرا نمی‌پذیرد؟ علت این است که با توانایی نرم‌افزاری آشنایی ندارند؟



می‌خواهند نرخ‌ها مقطوع باشد؛ زیرا نظام براساس همین منطق چیده شده است. این موضوع در کل نظام نهادینه شده است، وگرنه اگر منطق جدیدی نهادینه شود، با تغییر دولت‌ها هم تغییر نمی‌کند و ساختار مقاوم‌تری پدید می‌آورد.

باید اراده‌ای برای تغییر وجود داشته باشد. زمانی می‌گوییم نهادهای پولی و بانکی در ذیل نظام جمهوری اسلامی نیست و زمانی هم می‌گوییم اصلاً ریل‌گذاری نشده است. به باور بنده، اصلاً ریل‌گذاری نشده است. اشکال در عملکرد اشخاص نیست، بلکه اشکال در ایده‌ها و رویکردهاست. فقه جزءنگر نمی‌تواند مسئله نهاد و نظام را حل کند. اینجا فقه نظریه و نظام‌ساز، کارساز است. این موضوع هم با محتوایی که ما ارائه می‌کنیم و چهارچوب کاملی که به‌عنوان دستگاه فکری اقتصاد اسلامی ارائه کرده‌ایم، عملی می‌شود و نه آنچه هم‌اکنون به اسم فقه نظام تدریس می‌شود. ما باید از فقیه نظام‌شناس تقلید کنیم. کسی که بانک و نهاد و نظام را نمی‌شناسد، نمی‌تواند بایسته‌ها و اقتضائات زمان و مکان را بشناسد. کلی‌گویی‌ها فایده ندارد و باید هدفمند و براساس موضوع فعالیت شود. حتی براساس مصادیق فتوا گرفته شود تا کاملاً مؤثر باشد. اگر من بازرس کل نظام پولی و بانکی باشم، می‌دانم چطور حسابرسی و حساب‌کشی کنم؛ زیرا می‌دانم چه مسیری باید طی شود، اما کسی که خبر ندارد، نمی‌تواند.

متأسفانه، روند اصلاحی برعکس عمل می‌کند. بیشتر مقاله‌هایی که در این عرصه‌ها تولید شده، نرخ بهره را نهادینه و مباحث نظام بانکی غربی را تثبیت می‌کنند. در موضوع خلق پول می‌گویند نیازی به سپرده نیست و بانک تجاری پول را خلق می‌کند. در نشست‌ها می‌گویند بانکداری بدون ربا موضوعی تاریخ‌گذشته است؛ زیرا تعریف بانک عوض شده است. بانک واسطه و جوه نیست.

اکنون می‌گویند بانک تجاری خلق پول می‌کند و به آن مشروعیت می‌دهند. علمای ما هم این موارد را مفروض می‌گیرند و بحث‌های خود را براساس آن تنظیم می‌کنند. ما می‌گوییم خلق پول بدون سپرده، جرم و خیانت است. علمای ما به موضوعات بانکداری اشراف ندارند و به همین دلیل، انفعالی عمل می‌کنند. این روند، مسئله پولی و بانکی

باید اراده‌ای برای تغییر وجود داشته باشد. زمانی می‌گوییم نهادهای پولی و بانکی در ذیل نظام جمهوری اسلامی نیست و زمانی هم می‌گوییم اصلاً ریل‌گذاری نشده است. به باور بنده، اصلاً ریل‌گذاری نشده است. اشکال در عملکرد اشخاص نیست، بلکه اشکال در ایده‌ها و رویکردهاست. فقه جزءنگر نمی‌تواند مسئله نهاد و نظام را حل کند. اینجا فقه نظریه و نظام‌ساز، کارساز است. این موضوع هم با محتوایی که ما ارائه می‌کنیم و چهارچوب کاملی که به‌عنوان دستگاه فکری اقتصاد اسلامی ارائه کرده‌ایم، عملی می‌شود و نه آنچه هم‌اکنون به اسم فقه نظام تدریس می‌شود.

کشور ما را حل نمی‌کند.

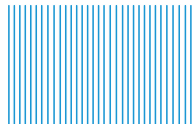
## پس یکی از ملاک‌های حکمرانی مناسب در حوزه بانکی، اثربخشی نظام بانکی



است. می‌توانید ملاک‌های دیگر را بفرمایید؟

من سه شاخصه حکمرانی دارم که می‌تواند در فقه نظام‌ساز مطرح شود. یکی از آنها «حق» است که به منشأ می‌پردازد. منشأ پول در ارتباط با حق بررسی می‌شود؛ حق، یعنی مخالف باطل. باطل، یعنی چیزی که به جای مناسب وصل نیست. ما باید همه موضوعات را به جای مناسبی وصل کنیم که شرعاً، حقیقتاً و فطرتاً مناسب باشد. مثلاً چه منشأ درآمدی حق است و چه منشأ درآمدی باطل است. از این موضوع به عنوان «مشروعیت تملک» یاد می‌کنیم؛ یعنی ملکیت باید مشروع باشد.

برای نمونه، می‌گوییم تمام افراد در منابع طبیعی حق دارند و می‌توانند از آن بهره ببرند، اما این بهره‌برداری بدون کار مؤثر و مناسب تحقق پیدا نمی‌کند. باید منشأ درستی برای تحقق مالکیت تعریف کنیم که مشروع هم باشد و مالکیت در اثر کار مناسب رخ بدهد. مثلاً پاداشی به شما داده‌اند،





این باید منشأ درستی داشته باشد، وگرنه باطل است. هر چه از راه باطل بیاید، حرام و هر چه از حق بیاید، حلال است. دومین شاخصه، «مشروعیت انتقال» است. در موضوع انتقال، دو ملکیت حلال و طاهر می‌تواند مبادله شوند. در انتقالات هم می‌گوییم تمام انتقالات حرام است، مگر حلال بودنش احراز شود. باید مبنای بر حرمت بگذاریم. برای نمونه، ملکی با یک میلیارد تومان مبادله می‌شود، اما کار تکمیل نیست، مگر اینکه براساس بازار اسلامی و با تراضی همراه باشد، تراضی دوطرف هم کافی نیست و باید تراضی جامعه برقرار باشد و استانداردهای لازم هم اجرا شوند. نظام بانکی باید بر این اساس باشد و عدالت در این ساختار و فرایند است که جامعه عمل می‌پوشد.

پس نخستین بحث، منشأ مالکیت است؛ یعنی درآمد از کجا می‌آید. می‌گوییم بانک بازدهی دارد. نگوییم بهره تا تنها لفظ اسلامی باشد. این بازدهی باید از کار واقعی و حلال به دست بیاید، وگرنه حلال نیست. نمی‌توان با دستور شورای پول و اعتبار چیزی را به عنوان سود داد و گرفت. درآمد باید از جایی واقعی به دست بیاید.

من معتقدم بانکداری اسلامی دنیایی کاملاً شفاف دارد. در اقتصاد می‌گویند اقتصاد، دنیای بی‌اطمینانی است. به نظر من بانکداری اسلامی کاملاً «دنیای اطمینان» است. در منطق اسلامی نباید وارد گردونه‌ای شویم که می‌خواهد ما را گیج کند. منطق اسلامی «من این و الی این» است؛ به همین دلیل اینکه در دنیای غرب می‌گویند بازارهای مالی، دنیای بی‌اطمینانی است، ناسالم است. نظام‌های مالی امروز، همگی تولیدات نادرست دارند. وضعیتی که برای برخی دستاورد دارد و برای برخی ضرر ایجاد می‌کند، بدون آنکه منشأهای آنها مشخص باشد. اینها با منطق فقه نظام‌ساز اقتصاد اسلامی هم خوانی ندارد.

مشروعیت جهت.

برای نمونه، می‌گوییم منشأ فعلی درآمدهای بورس از سهام است. شرکت‌هایی ضررده هستند یا ایجاد نشده‌اند، اما ارزش سهام آنها چندین برابر شده است. منشأ و فرایند به دست آمدن دارایی باید احراز شود. در منطق اسلام، اصل «تبعیت نمو از اصل» را داریم؛ مثلاً میوه مال درخت است، مالک درخت فلان آقاست، پس میوه مال فلان آقاست. فرایند و دستورالعمل‌های نمو باید احراز شود. موضوع سوم، «جهت» است که چگونه این تسهیلات به کار گرفته می‌شوند و چه آثاری ایجاد می‌کنند. با این منطق می‌توانیم به نظام پولی و بانکی اسلامی برسیم، اما با رویکردهای التقاطی و سکولار نمی‌شود به اهداف اسلامی دست یافت و نمی‌توان انتظار داشت که بانک‌ها در خدمت تولید باشند.

**این فرض که تمام مبادلات حرام است، مگر اینکه سلامت آن احراز شود، آیا موجب گرفتار شدن در دام بروکراسی نمی‌شود؟**

نه، کار پیچیده‌ای نیست. با منطق راهبردی، تمام اینها را می‌شود پیاده کرد. باید جریان‌های سالمی پدید بیاوریم تا عملکردها درست شود. مثلاً هنگامی که اختلاس سه هزار میلیاردی رخ داد، اشکال در ال‌سی‌ها بود. بانک ما در آن زمان مشکلی نداشت؛ ال‌سی را نرم‌افزار تولید می‌کند، نه کاربر. اگر نرم‌افزار درست باشد، بازدهی واقعی از راه حسابرسی و حسابداری ممکن است. نخست باید نرم‌افزار درست طراحی شود؛ مثل قاعده ازدواج که چنانچه درست برنامه‌ریزی شود، به نتیجه درست هم منتهی می‌شود؛ بنابراین، اصول اسلامی و عقود اسلامی وجود دارد و مشکل در اداره و حکمرانی است.

**موضوع «جهت» این است که بانک باید در جهت اهداف اسلامی فعالیت کند؟**


تک‌تک تسهیلات باید در جهت تولید باشد و بتوان بررسی و گزارش عملکرد مطمئن تولید کرد. بانک باید گزارش بدهد. مثلاً بانک کشاورزی می‌گوید تسهیلات اصلاح بذر داده است؛ نخست باید در این جهت تسهیلات دهد، دوم باید نظارت شود؛ این کار باعث رشد می‌شود. حتی کارمند بانک باید براساس احراز جهت مناسب حقوق بگیرد. با

**می‌گویید هر جا صحبت از بی‌اطمینانی است، اسلامی نیست.**

بله. فقیه در دنیای بی‌اطمینانی نظر نمی‌دهد. باید موضوع و مصداق تشریح شود؛ یعنی منشأ، فرایند و جهت آن مشخص باشد، وگرنه پذیرفتنی نیست. علمای ما نباید فریب بازی نظام‌های مالی را بخورند. به زبان شرعی می‌شود احراز مشروعیت تملک، مشروعیت انتقال و



من معتقدم بانکداری اسلامی دنیایی کاملاً شفاف دارد. در اقتصاد می‌گویند اقتصاد، دنیای بی‌اطمینانی است. به نظر من بانکداری اسلامی کاملاً «دنیای اطمینان» است. در منطق اسلامی نباید وارد گردونه‌ای شویم که می‌خواهد ما را گیج کند. منطق اسلامی «من این و الی این» است؛ به همین دلیل اینکه در دنیای غرب می‌گویند بازارهای مالی، دنیای بی‌اطمینانی است، ناسالم است. نظام‌های مالی امروز، همگی تولیدات نادرست دارند. وضعیتی که برای برخی دستاورد دارد و برای برخی ضرر ایجاد می‌کند، بدون آنکه منشأهای آنها مشخص باشد. اینها با منطق فقه نظام‌ساز اقتصاد اسلامی هم‌خوانی ندارد.

 این کار نیاز به نیروهای انسانی مبرز دارد و توان تشخیص بانک باید خیلی بالا برود.


بانک‌ها از نظر منابع انسانی قوی هستند و البته باید قوی‌تر هم بشوند. اگر درست آموزش داده شوند، عمل می‌کنند. مشکل در برنامه‌ریزی نظام است. در چنین نشست‌هایی باید عضوی قوی از حوزه رهبری را دعوت کنید تا مسئله حل شود. باید مسائل به‌طور سیستمی دیده شود. پیش از وقوع اتفاقات باید پیش‌بینی و بررسی شود و خطرهای دیده و مدیریت شوند.

برای آگاهی بیشتر درباره‌ی سه معیار حق و عدل و قوام و سه نوع مشروعیت اشاره‌شده، مقاله‌ی بنده در شماره‌ی ۷۱ مجله‌ی علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، با عنوان «اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام» را بخوانید. ■

پی‌نوشت


1. Imre Lakatos.

این سازوکار، بانک مجبور می‌شود دنبال مشتری بگردد، نه اینکه مشتری درگیر پیچ‌وخم‌های اداری و نظام بروکراسی بانک باشد.

 یعنی شما بنگاهداری بانک را رد نمی‌کنید، ولی بانک باید این سه شرط را در نظر داشته باشد.

کارشناسان اقتصاد اسلامی و فقه نظام، به تعریف بنده، تک‌به‌تک اینها را در مقررات‌گذاری و پایش بررسی می‌کنند. تربیت افراد و به‌کارگیری صحیح آنها باید انجام شود. به این ترتیب، گاهی لازم است که بنگاهی هم ایجاد شود تا کارشناسی درستی را مثلاً درباره‌ی بررسی طرح‌ها انجام دهد. در این حد، نه تنها اشکالی نیست، بلکه لازم است. منطق بانکداری اسلامی، منطقی است که بانک با بخش واقعی اقتصاد تعامل جدی دارد؛ از این رو، باید کارشناسی داشته باشد که مجهز به منطق کارشناسی طرح‌ها و ارزیابی آنها باشد. بله، در منطق بانکداری غربی، بانک نباید وارد بخش واقعی اقتصاد شود و مبادلات بانکی تنها باید مبادلات کاغذی باشند!

جالب است که این بحث‌ها در سطوح بالای نظام تصمیم‌گیری مطرح می‌شد و بنده به‌عنوان کارشناس بانکی در برابر رویکردهای بانک مرکزی که داشت شرط فعالیت بانک در محدوده‌ی مبادلات کاغذی را مطرح می‌کرد، مخالفت می‌کردم و در نهایت گروه مرتبط بررسی و اذعان کردند که برای کار با بخش واقعی اقتصاد، لازم است در موارد مشخصی بانک توسعه‌ای، خود، وارد حوزه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری هم بشود، به‌ویژه در بحث تبادلات بین‌الملل و خنثی‌سازی تحریم‌های بین‌المللی.

 لطفاً مشروعیت تملک را بیشتر توضیح بدهید. مثلاً شخصی پولی را در بانک می‌گذارد، آیا ما باید بررسی کنیم که پول شخص، پول خودش باشد؟ یا باید به شکل خوداظهاری انجام شود؟ زیرا احراز اینکه تملک مشروعیت پول احراز شود، کار مشکلی است.

این یکی از موارد است. پول نباید حاصل پول شویی باشد. منشأ درآمدهایی که بانک می‌دهد هم باید مشخص باشد.

